

آسیب‌شناسی برنامه‌های تربیت دینی دختران در خانواده

زهرا امید رحمت *

چکیده

اهمیت تربیت دینی برای دختران دبیرستانی، سبب شده است تا برنامه‌های بسیاری در این راستا از طریق خانواده‌ها تنظیم و اجرا شود؛ ولی در بسیاری از موارد به اهداف مدنظر خود نرسیده‌اند؛ لذا این پژوهش به بررسی و آسیب‌شناسی برنامه‌های یادشده پرداخته و با توجه به آموزه‌های امیرالمؤمنین 7، راهکارهایی را برای رفع این آسیب‌ها ارائه نموده است. در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شده است. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای است که روایی صوری و محتوایی آن توسط استاد راهنما و مشاور و چند تن از اساتید مجرب تأیید شده است. جامعه آماری این تحقیق، شامل کلیه دبیران دینی، عربی، مشاوران و مربیان پرورشی ناحیه چهار آموزش و پرورش اصفهان است که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به کار بوده‌اند. بر اساس فرمول، حجم نمونه ۸۵ نفر از آن‌ها به صورت تصادفی برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها انتخاب



شدند. در این پژوهش برای مشخص نمودن پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ۰/۹ محاسبه گردیده و تجزیه و تحلیل آن با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-18 در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که آسیب ناشی از تمام عوامل آسیب‌زا در خانواده (فقر اعتقادی فرهنگی، وضعیت اقتصادی و فقر عاطفی) بالاتر از سطح متوسط است.

واژه‌های کلیدی

آسیب‌شناسی، تربیت دینی، نوجوان، خانواده.

مقدمه

خداوند انسان را از دو بُعد مادی و ملکوتی آفرید. این انسان در قوس صعودی خود تا آن جا بالا می‌رود که جز خدا نبیند و در قوس نزولیش آن قدر پایین می‌رود که از چهارپایان هم پست‌تر خواهد شد. انسان برای غلبه بر شیاطین و خلق و خوی حیوانیش و صعود روح ملکوتیش نیاز به تربیت دارد. مسکویه معتقد است:

«چنانچه انسان به حال خود رها شود و تحت تعلیم و تربیت قرار نگیرد، به غضب و شهوت‌طلبی و سایر خلقیات ناشایست روی خواهد آورد، چون با طبع او سازگارتر است؛ اما دین با برنامه‌ها و دستورهایش، افراد را از کودکی و نوجوانی بر پایه اخلاق و رفتار پسندیده تربیت می‌کند.» (بهشتی، و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۲)

همان‌طور که حضرت علی ۷ می‌فرمایند:

«رذالت‌ها جبل‌ی و ذاتی در وجود انسان است، اگر بر آن‌ها غلبه

نکند، کارش به رسوایی خواهد کشید.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۲۷)

تاریخ نشان می‌دهد که در گذشته، مذهب نقش مهمی در تربیت داشته است، به‌طوری که مطالعه و تدریس کتاب‌های مذهبی، هدف

اصلی تحصیل شمرده می‌شده است. مؤسسات آموزشی همان مؤسسات مذهبی بوده‌اند و ارتباط نزدیکی میان مذهب و تربیت برقرار بوده است؛ (مایر، ۱۳۷۴) ولی متأسفانه در عصر حاضر با پیشرفت علم و تکنولوژی، تربیت از مذهب فاصله گرفته؛ آموزش، امر پرورش را تحت الشعاع خود قرار داده و توجه به بُعد کَمّی، دست‌اندرکاران تربیت را از بُعد کیفی مسئله دور داشته؛ لذا امر تربیت با آسیب‌های جدی روبه‌رو گشته است.

تربیت دینی فرزندان برای داشتن جامعه‌ای پاک و به دور از انحرافات و کژی‌ها که نتیجه آن شکوفاشدن فطرت‌های الهی و بارورشدن استعدادهاست، امری لازم و ضروری است. در این راستا، تربیت دختران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چون دام‌های متعددی برایشان در جامعه گسترده شده و وظایف سنگینی بر عهده دارند. به این خاطر بلوغ شرعی دختران زودتر از پسران مطرح است تا فرصت بیشتری برای سازندگی آن‌ها باشد؛ (قائمی، ۱۳۷۴: ۱۲۴) پس باید تربیت دینی دختران مقدم بر دیگر برنامه‌های تربیتی باشد. به همین خاطر از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها خصوصاً خانواده‌های مذهبی، تربیت نسل جدید بر اساس ارزش‌های دینی، فضایل اخلاقی و احکام الهی است. آن‌ها از اولین مهندسان تربیت این نسل هستند که برای تربیت دینی برنامه‌ریزی می‌کنند؛ ولی عدم رسیدن به اهداف آن، نشانگر وجود آسیب‌هایی در برنامه‌ها است. «از آنجا که ثمربخشی تلاش دست‌اندرکاران نظام تربیتی هر جامعه بر آسیب‌شناسی تربیتی، به مفهوم شناخت و تحلیل موانع جریان تربیت و تبیین چگونگی برخورد مؤثر با این عوامل، متوقف است؛ بر این اساس همه تلاش‌های گسترده و متنوع در حوزه تربیتی زنان را بایستی تحت دو عنوان «ایجاد مقتضیات» و «رفع موانع» بررسی نمود. تربیت زنان در مفهوم خاص آن یعنی «مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم، تربیتی به منظور پرورش و تقویت ایمان و ایجاد التزام نسبت به باورها، هنجارها، ارزش‌ها، احکام و دستورات دینی» مستلزم شناخت موانع است و به بیان دیگر، هر گونه برنامه‌ریزی برای



تریت زنان نیازمند آسیب‌شناسی است.» (معین الاسلام، ۱۳۸۳، ش ۱۴۷) «قبل از هر چیز لازم است که با رویکردی سلبی، نظاره‌گر تربیت دینی باشیم. هرگاه بدانیم که چه اموری دینی نیستند، در آن صورت نگاه‌مان به امور دینی متفاوت خواهد بود. به تعبیر «کریشنامورتی» این مسئله همانند پاک کردن پنجره‌های کثیف است که وقتی شروع به تمیز کردن آن می‌کنیم، می‌توانیم از آن به بیرون بنگریم.» (کریمی، ۱۳۸۵: ۶۴) بررسی و شناخت آسیب‌ها باعث می‌شود از گرفتاری در چنگال آن‌ها در امان مانده و بتوان به تربیت درست و سالم دست یافت. «هم‌چنان که اگر باغبانی در تهیه بذر و آب و کود اهتمام ورزد و آفت‌ها را نیاید، محصول را از دست داده است. آسیب‌های تربیت نیز تلاش‌های تربیتی را با بی‌فرجامی روبرو می‌کند؛ از این رو، شناخت جنبه‌های منفی در جریان تربیت، کم‌بها تر از شناخت جنبه‌های مثبت نیست.» (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۸۴)

در صورتی برنامه‌ریزی‌های تربیتی خانواده جامع است که هم‌سو با برنامه‌های دین مقدس اسلام باشد و به هر میزان که این امر از خط اسلام منحرف باشد، به همان اندازه با آسیب روبرو می‌شود؛ لذا این مقاله درصدد است تا با شناخت و بررسی میزان آسیب‌های برنامه‌های تربیتی دختران دبیرستانی در خانواده، راهکارهایی از آموزه‌های دینی خصوصاً آموزه‌های امیرالمؤمنین ۷ برای به‌سازی آن ارائه دهد.

در مقاله حاضر با پرسش‌های زیر مواجه هستیم:

۱. آسیب‌های ناشی از خانواده در تربیت دینی دختران چه میزان است؟
۲. آسیب‌های ناشی از عامل اعتقادی-فرهنگی در خانواده چه میزان است؟
۳. آسیب‌های ناشی از عامل عاطفی در خانواده چه میزان است؟
۴. آسیب‌های ناشی از عامل اقتصادی در خانواده چه میزان است؟
۵. مهم‌ترین عامل آسیب‌زا از عوامل ذکرشده در تربیت دینی دختران کدام است؟

پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

اهمیت تعلیم و تربیت در سازندگی انسان، علمای تعلیم و تربیت اسلامی را بر این داشته که از جنبه‌های مختلف با استفاده از روش‌های آماری و کلام قرآن و ائمه اطهار: و آراء و نظرات دانشمندان روانشناس و علوم تربیتی به آسیب‌شناسی برنامه‌های تربیت دینی پردازند، از جمله اسدی گرمارودی (۱۳۶۹) برای خودسازی و رسیدن به کمال انسانی با متذکر شدن به ارزش عمر و جوانی و استفاده کافی از آن به آسیب‌شناسی روش‌های والدین و معلمان در تربیت دینی نوجوانان پرداخته است.

باقری (۱۳۸۶) در برابر چالش عصر ارتباطات، بحث ساخت‌زدایی را با نگاهی نو مطرح می‌نماید، روش‌های شبه‌تربیتی، مانند عادت و تلقین و تحمیل را آسیب‌زا شمرده و جنبه‌های افراط و تفریط را در ده محور به‌عنوان آسیب‌های تربیت و حد اعتدال آن را حالت مطلوب و سلامت بیان کرده است.

کریمی (۱۳۸۵) تربیت‌های معمول را تربیت کردن دانسته است، نه تربیت‌شدن و آن را تربیت وارونه خوانده است. وی عقیده دارد که تعلیم و تربیت از ناکجا به هر کجا می‌رود. در این کتاب به مواردی از این وارونگی‌ها به‌عنوان آسیب‌های تربیتی اشاره نموده و راه‌هایی را برای سلامت آن عنوان کرده است.

محمدباقر حجتی (۱۳۶۶) در کتاب «اسلام و تعلیم و تربیت» ابتدا به اهمیت دین و نقش آن در تربیت پرداخته و پس از آن تربیت را در خانواده مورد بحث قرار داده است.

سادات (۱۳۷۲) در جلد اول کتاب خود به شیوه‌های برخورد با کودکان می‌پردازد و در جلد دوم پس از بیان ویژگی‌های نوجوانان و اهمیت این دوران، شیوه‌هایی را برای برخورد با آنان به والدین متذکر می‌شود.

شرفی (۱۳۸۶) دنیای نوجوان را برای شناخت ویژگی‌ها و تربیت او به روش علمی ترسیم نموده است.

فلسفی (۱۳۵۲) خواسته‌ها و تمایلات متقابل جوان و نوجوان را به طور گسترده‌تری بیان داشته و راهکارهایی را با استفاده از آیات و روایات و نظر دانشمندان ارائه می‌دهد.

قائمی (۱۳۷۴) نوع تربیت دختران را از پسران متمایز دانسته و برای تربیت دینی دختران راهکارهایی ارائه می‌کند.

زندوانیان (۱۳۹۱) در نتایج تحقیق خود نقش چهار عامل خانواده، مدرسه، دوستان، آشنایان و رسانه‌ها را در گرایش دانش‌آموزان به فرایض دینی معنادار دانسته است.

براتی (۱۳۷۵) در بررسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی فرزندان (والدین، معلمان و عوامل مدرسه، رسانه‌ها و دوستان) عامل والدین را مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل برشمرده است.

آقایی میدی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود درباره عوامل مؤثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش‌آموزان سال سوم دوره متوسطه شهرستان اردکان، به این نتیجه می‌رسد که والدین از میان چهار عامل یادشده، عمده‌ترین نقش را دارند و با رفتارهای مناسب خود می‌توانند الگوهای مذهبی مناسبی برای فرزندان باشند.

امراللهی (۱۳۷۹) نیز اصلی‌ترین نقش را در تربیت مذهبی فرزندان به خاطر ارتباط مستقیم با آن‌ها و برقراری روابط عاطفی و الگو بودنشان، به والدین اختصاص داده است.

در کتاب تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن (۱۳۸۸) مقالاتی در زمینه آسیب‌شناسی خانواده در زمینه‌های گوناگون با روش‌های آماری جمع‌آوری شده است، از جمله زمانی در مقاله‌ای با عنوان «مشکلات اقتصادی و آسیب‌شناسی خانواده» مطرح نموده که فقر

اقتصادی، بی‌سوادی، ناآگاهی اجتماعی، زندگی خانوادگی نابسامان و از هم پاشیده، سکونت در محلات پست و جرم‌خیز که خود متأثر از شرایط اقتصادی است، زمینه‌گرایش فرد را به ارتکاب جرم و بزه‌کاری فراهم می‌سازد.

آسیب‌شناسی برنامه‌های تربیت دینی در خانواده

خانواده مهم‌ترین و اولین عامل تأثیرگذار در تربیت فرزندان است؛ لذا در این مبحث، برنامه‌های تربیت دینی در خانواده از سه جهت آسیب‌شناسی می‌شود:

الف) آسیب‌های اعتقادی و رفتاری در خانواده

از آنجا که اعتقاد و رفتار دو تار در هم تنیده هستند و با هم در تعاملند، آسیب‌های آن‌ها نیز تحت یک عنوان مطرح می‌شوند:

● ملزم نبودن والدین به آداب دین؛ هر کودکی باورهای دینی خود را نخستین بار در دامن خانواده فرا می‌گیرد. معمولاً خانواده‌هایی که خود را ملزم به فرامین مذهبی نمی‌دانند از عمل به دستورات الهی سرباز می‌زنند و از هر قید و بندی خود را آزاد می‌بینند. باقری این بی‌قیدی را با عنوان «حصار شکنی» به عنوان آسیب مطرح می‌کند و می‌نویسد: «تصور بر آن است که گوهر دین‌داری، ضمیر پاک است؛ هر که از آن برخوردار باشد، او را در باره اعمال ظاهری باکی نیست و هر که از آن بی‌بهره باشد، با انباشتن اعمال ظاهری، چیزی به چنگ نخواهد آورد.» (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۸۸-۲۸۷) در حالی که قرآن کریم برای حیات و برپایی دین، ایمان قلبی و عمل صالح را در کنار هم تجویز نموده و برای عمل به دستورات الهی حدود و ثغوری را مشخص می‌کند: (الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ سِنِينَ إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ



حُدُودَ اللَّهِ فَأَوْلِيكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (بقره/۲۲۹) چون تربیتی که حد و مرز نداشته باشد، تربیت به حساب نمی آید.

● بی تفاوتی والدین مذهبی در قبال تربیت دینی فرزندان؛ در جامعه، پدران و مادرانی هم یافت می شوند که تقریباً خودساخته و مذهبی بوده و نسبت به انجام واجبات مقیدند؛ ولی نسبت به تربیت دینی فرزندان حساسیت کمتری نشان می دهند. این امر سبب می شود گاهی از دل خانواده های مذهبی، فرزندان غیر مذهبی بیرون آیند و تحیر همه را برانگیزاند. پیامبر ۹ بیزاری خود را از چنین والدینی اعلام نمودند و فرمودند: «وای بر فرزندان آخرالزمان از روش ناپسند پدرانشان (خانواده شان)»، عرض شد: «یا رسول الله از پدران مشرکشان؟» فرمودند: «نه از پدران مؤمنشان. آن ها که به فرزندان خود فرایض و وظایف دینی را نمی آموزند و به امور یا چیز دنیوی برایشان قناعت می ورزند. پس من از آن ها بیزار و آن ها هم از من بیزار هستم.» (بروجردی، ۱۳۸۶) داوند برای ممانعت از این امر بعد از واژه انفسکم، واژه اهلیکم را آورده است (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا ...) (تحریم/۶) و برای مقابله با این بی تفاوتی از سرپرستان خانواده خواسته: (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ...) (طه/۱۳۲)

● مطرح کردن شبهات دینی و تمسخر دین داری در خانواده؛ بعضی از خانواده ها بدون آگاهی از علوم دینی با تحلیل های نادرست و مطرح کردن شبهات دینی، چهره ای مبهم و نامطلوب از مذهب در ذهن فرزندان ترسیم می کنند. پیامبر ۹ به علی 7 فرمودند:

«از رحمت و فیض الهی بی نصیب باد آن پدر و مادری که بر اثر سوء رفتار و گفتار خود، باعث انحراف فرزند خویش شوند و او را به ایذاء و عصیان شان وادار سازند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۷۲)

آن ها حلال و حرام خدا را به هم می آمیزند و با توجیه های خود، به اصطلاح کلاه شرعی بر سر اعمال خلاف می گذارند. امیرالمؤمنین 7 فرمودند: «حرام خدا را با شبهات دروغین و هوس های غفلت زا حلال می کنند،

شراب را به بهانه اینکه آب انگور است و رشوه را که هدیه است و ربا را که نوعی معامله است، حلال می‌شمارند.» (همان، خطبه ۱۴/۱۵۶)

و با تمسخر باورهای دینی و خصوصاً مسخره نمودن قشر روحانی و مذهبی باعث تخریب باورها و ارزش‌های دینی فرزندان می‌شوند. مسلماً عملکرد چنین خانواده‌هایی تنها برای فرزندان خود آسیب‌زا نیست؛ بلکه حضور این فرزندان در محیط‌های دیگر تربیتی می‌تواند این آسیب‌ها را به طور گسترده‌تری منتقل نماید و برنامه‌های آن‌ها را بی‌اثر نماید.

● بی‌حیایی در خانواده؛ حیا در لغت به معنای شرمساری و خجالت است (معین، فرهنگ معین) و این نوع از حیا، شرمی است برخاسته از درک خوبی‌ها و بدی‌ها. مؤمنین، خدا و پیامبر و ائمه را شاهد اعمالشان می‌بینند و در محضر آن‌ها از ارتکاب معاصی شرم می‌کنند: (وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَیْرَی اللّٰهُ عَمَلْکُمْ وَرَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ...)، (توبه/۱۰۵) در ضمن شرم و حیا از مردم و رسوایی در برابر آن‌ها نیز می‌تواند مانع اعمال خلاف شرع و عرف باشد. برای همین، افرادی که در شهرهای غریب زندگی می‌کنند، احتمال فسادشان بیشتر است و اگر دستور حد تازیانه زنا در ملأعام داده شده، نیز به همین خاطر است. چون تحمل تازیانه به مراتب آسان‌تر از رسوایی جلوی دوستان و آشنایان است و از همه مهم‌تر این است که فرد بی‌حیا، جایگاه خود را در خلقت نشناخته و به ارزش وجودی خود پی نبرده که از خود حیا کند. علی 7 می‌فرمایند:

«مَنْ اسْتَحْيَا مِنَ النَّاسِ وَلَمْ یَسْتَحِ مِنْ نَفْسِهِ فلیسَ لِنَفْسِهِ عِنْدَ نَفْسِهِ قَدْرٌ»؛ «کسی که از مردم حیا می‌کند و از خودش حیا نمی‌کند، برای خودش ارزشی قائل نیست.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ج ۲۰: ۲۶۵)

«همان‌طور که در موقعیت‌های اجتماعی هر کسی که بیشتر احساس شخصیت می‌کند و از موقعیتی برتر برخوردار است، زشتی را برای خود ناروا تر می‌داند.» (اکبری، ۱۳۸۱: ۳۷)

پس می‌توان بی‌حیایی را ریشه هر گناهی دانست؛ چون علت اینکه فرد



می تواند خود را به گناه آلوده کند این است که نه از خود، نه از خدای خود و نه از دیگران شرم و حیایی ندارد. ریشه بی حیایی را باید در خانواده ها جستجو نمود. خانواده هایی که شرم و حیا ندارند، از زدن هر حرف، دیدن هر فیلم، شنیدن هر صدا، خواندن هر کتاب، پوشیدن هر لباس، رفت و آمد با هر کس، ارسال کردن هر پیامک و انجام هر رفتاری در مقابل فرزندان، ابایی ندارند. همین رفتارها در اعمال و رفتار فرزندان بروز می کند. به گفته امیرالمؤمنین 7 «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۴)

● حیای بدون عقل؛ همان طور که بی حیایی برای تربیت دینی آسیب زا است، حیای بدون عقل نیز می تواند چنین باشد. این نوع حیا معمولاً از کم رویی و خجالت نشأت می گیرد، مانند حیا در حق گویی، در گفتن نمی دانم، در پرسش و فراگیری دانش و ... که فرد را در کسب فضایل اخلاقی و پیشرفت ناتوان می سازد. چنان که امیرالمؤمنین 7 می فرمایند:

«قُرِنَتِ الْهَيْبَةُ بِالْخَيْبَةِ وَالْحَيَاءُ بِالْحَرَمَانِ؛ ترس با ناامیدی و شرم با محرومیت همراه است.» (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۲۱)

نداشتن قدرت «نه» گفتن در مقابل هم کلاسی ها یا دوستان منحرف از موارد حیای بدون عقل است که به تربیت دینی آسیب جدی می رساند و نوجوانان ما را به محیط های آلوده کشانیده و کم کم بدون آنکه متوجه شوند، آن ها را آلوده می سازد.

● داشتن تعصبات دینی و تربیت با روش قرنطینه؛ واژه «تعصب» به معنای از چیزی سخت جانبداری کردن، حمیت، عصیت و سخت گیری آمده است. (معین، فرهنگ معین) علی 7 می فرمایند:

«درباره چیزی تعصب می ورزید که نه علتی دارد و نه سببی.» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۷۴/۱۹۲)

در این روش بر عکس روش های قلبی، والدین به خاطر تعصباتی که

دارند پا را از حدود شرع فراتر نهاده و روش قرنطینه را در تربیت فرزندان به کار می‌گیرند. باقری بحث قرنطینه را با عنوان حصاربندی مطرح می‌کند، به این معنا که عوامل تربیتی برای مصون نگه داشتن افراد تحت تربیت از آسیب‌های باطل، آن‌ها را از عوامل منفی جدا و دور نگه دارند. او این روش را در موقعیت‌های بسیار شکننده، به‌عنوان امری موقت و به منزلهٔ تدبیری برای تقویت قدرت رویارویی، اجتناب‌ناپذیر و حتی مفید می‌داند؛ ولی آن را به منزلهٔ خط‌مشی دائمی در تربیت، نوعی آسیب مطرح می‌نماید؛ به این دلیل که این روش اولاً، باعث کم‌شدن قوهٔ مقاومت فرزندان در برابر مشکلات خواهد شد؛ ثانیاً، با رشد حیرت‌انگیز ارتباطات، پیاده کردن این روش غیر واقعی است و بالاخره تحکم والدین و تحریک حس لجاجت فرزندان را به دنبال دارد. (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۸۷-۲۸۵)

● سخت‌گیری خانواده‌های مذهبی در قبال تربیت دینی فرزندان؛ در راستای تعصبات دینی، برخی از خانواده‌های مذهبی با شدت عمل و سخت‌گیری، تربیت دینی را بر فرزندان اعمال می‌کنند. غافل از آنکه ایمان امری قلبی است و نمی‌توان آن را بر اساس تحمیل و فشار در دل متربی ایجاد نمود. این ابزار، برای تربیت آسیب‌زا است و چیزی جز عناد و لجاجت به بار نمی‌آورد. به همین خاطر، قرآن انسان را با آزادی عمل در انتخاب راه مخیر نموده است: (إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (انسان/۳) و اجباری در قبول دین قرار نداده است: (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ...) (بقره/۲۵۶) و امیرالمؤمنین ۷ فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ... لَمْ يُطْعَمْ مُكْرَهًا...؛ خداوند سبحان با اکراه و اجبار اطاعت نمی‌شود.» (دستی، ۱۳۷۹، حکمت ۷۸)

در این باره والدین نباید اولاً، بر فرزندان سخت بگیرند، همان‌طور که خود پیامبر ۹ فرمودند:

«بِعَثْنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۴۹۴)



ثانیاً، باید مرز و حدود حرام، مکروه، مباح، واجب، مستحب و ... را بشناسند و امر مستحب را واجب جلوه ندهند و فرزندان را بدون میل و علاقه مجبور به آن نکنند که گاهی انجام مستحبات به واجبات نیز ضرر می‌رساند. امیرالمؤمنین 7 فرمودند:

«لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أَضْرَّتْ بِالْفَرَائِضِ.» (دستی، ۱۳۷۹، حکمت ۳۹)

و ثالثاً، باید به زمان تعلیم و درخواست به انجام امور دینی توجه نمایند. علی 7 می‌فرمایند:

«دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است؛ پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری کور می‌شود.» (همان، حکمت ۱۹۳)

● تربیت دینی با روش‌های شبه‌تربیتی به جای روش‌های عقلانی و با بصیرت؛ انسان در دوران نوجوانی به دنبال درک عمیق از معارف الهی است و برای تقویت ایمانش به دنبال درک حقایق است؛ پس پرداختن به ظاهر دین و رهانمودن باطن آن و به کارگیری روش‌های شبه‌تربیتی، مانند عادت، تقلید، تحمیل و ... به جای روش‌های عقلانی می‌تواند برای تربیت دینی آسیب‌زا باشد. باقری در این زمینه می‌گوید:

«ایمان رویشی است، نه رانشی. با راندن و تاراندن افراد نمی‌توان در آن‌ها ایمان پدید آورد. ایمان رویدنی است و محل رویش آن قلب است (قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ... (حجرات ۱۴/۱) (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۱۳) اگر فرزندان با روش‌های عقلانی و بصیرت تربیت شوند و آگاهانه به فرآیند دینی عمل نمایند، افراد خودکنترلی می‌شوند که می‌توانند پایبندی خود را به دین در هر محیطی حفظ نمایند. خداوند در قرآن به مؤمنان متذکر می‌شود که اگر هدایت شوید، گمراهان نمی‌توانند به شما آسیب و ضرری برسانند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا

يَضْرُكُم مِّنْ ضَلٍّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ) (مائده/۱۰۵) باقری این روش را مرزشناسی، حد میانه بین حصاربندی و حصارشکنی می‌داند. (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۹۱-۲۸۹)

● عدم تزکیه و تطابق قول و فعل والدین؛ هریک از عوامل تربیتی که بخواهد در مسند مربیگری بنشینند، باید ابتدا خود را بشناسند و به خودسازی پردازند تا بتوانند دیگران را بسازند. کسی که خود را اصلاح نکرده، چگونه می‌تواند برنامه صحیحی برای تربیت دیگران بریزد و به اصلاح دیگران پردازد. به اصطلاح فلاسفه، معطی شیء نمی‌تواند فاقد شیء باشد.

ذات نیافته از هستی‌بخش چون تواند که بود هستی‌بخش (جامی، ۱۳۶۶، بخش ۵)
عدم تزکیه و تطابق قول و فعل والدین باعث سلب اعتماد و بدینی فرزندان نسبت به آن‌ها می‌شود. مارتی جامعه‌شناس می‌نویسد:

«هیپی‌ها، نوجوانان عاصی و سرکشی نیستند که دوران عصیان و بلوغ را سپری می‌کنند؛ بلکه این‌ها انسان‌هایی هستند که احساس کرده‌اند جامعه به آن‌ها دروغ گفته است، خود را فریب خورده بزرگسالان می‌دانند.» (اسدی ۱۳۶۹: ۷۲)

● عدم توجه به تربیت به‌هنگام؛ اسلام برای هر سنی، روش‌ها و دستورات تربیتی خاص خودش را مطرح می‌کند. کودکان و نوجوانان با داشتن فطرتی پاک و دل خالی از گناه، آماده پذیرش هر نوع تربیتی هستند. حضرت علی ۷ در وصیت خود به فرزندشان امام حسن ۷ فرمودند:

«قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود؛ پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود.» (همان، نامه ۲۲/۳۱)

در زمانه ما که دشمنان دین با انواع تهاجمات فرهنگی، اعتقادات نسل جدید را مورد تعرض قرار می‌دهند و حتی برای تخریب افکار کودکان ما نیز برنامه دارند، باید با تربیت به‌هنگام و عمیق، آن‌ها را در مقابل ویروس‌ها و میکروب‌های پراکنده در جامعه واکسینه نمود. امام



صادق 7 در زمان خود، خانواده‌ها را در این باره هشدار دادند و از تربیت دیرنگام نهی نمودند:

«بَادِرُوا أَحْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ.» (شیخ

حر عاملی، ۱۴۰، ج ۱۷، ص ۳۳۱)

«آسیب‌های اخلاقی هم‌چون بیماری‌های جسمی هستند که هرچقدر دیرتر به آنها توجه شود، توابع ناگوار آن فزون‌تر و درمان آن صعب‌تر می‌شود و گاه زمانی فرا می‌رسد که علاج ممکن نیست.» (ساجدی، ۱۳۸۶: ۲۸۵)

در ضمن همان‌گونه که تربیت دیرنگام آسیب‌زا است، شتاب‌زدگی در امر تربیت نیز می‌تواند آسیب‌های جدی در پی داشته باشد. امیرالمومنین 7 در این زمینه هشدار می‌دهند:

«وَأَيُّكُمْ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَاقُطَ فِيهَا عِنْدَ امْتِكَانِهَا...؛

مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی یا کاری که وقت آن رسیده، سستی ورزی.» (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۱۴۸/۵۳)

ب) آسیب‌های عاطفی در خانواده

● عدم روابط صحیح و صمیمی بین اعضای خانواده (خلأ عاطفی)؛ خداوند، فرزند را به‌عنوان امانتی پاک و طاهر در دستان پدر و مادر قرار داده تا او را با تربیت دینی به رشد و کمال برسانند. این تربیت نیازمند محیطی آرام، توأم با صلح و صفا در خانواده است که با روابط صمیمی بین والدین ایجاد می‌شود. ساجدی می‌نویسد:

«هر قدر بنیان شخصیتی نونهالان با ریسمان محبت و ... استحکام

بیشتری یابد، مقاومت ایشان در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی، مانند بزه‌کاری، استعمال مواد مخدر، میل به نوارها و فیلم‌های مبتذل، دیگرآزاری، خانه‌گریزی، رفتارهای تخریبی و ... افزایش می‌یابد.» (ساجدی، ۱۳۸۶: ۲۸۹)

متأسفانه چه بسیارند فرزندان که شاهد درگیری‌ها، اختلافات و جدایی والدین و قربانی آن هستند. از طرف دیگر، اشتغال مادران در بیرون از خانه و کار مضاعف پدران در زندگی امروزی، سردی و تقلیل روابط صمیمی را در خانواده‌ها به همراه داشته است. به همین خاطر است که امیرالمؤمنین 7 فرمودند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (دستی، ۱۳۷۹، حکمت ۱۳۶)

پدران و مادران، دلسوزترین و شایسته‌ترین کسانی هستند که می‌توانند مأمنی برای حل مشکلات فرزندان خود باشند و این را باید قویاً و عملاً به فرزندان خود ثابت نمایند، چنانکه امیرالمؤمنین علی 7 در مقدمه نامه خود به امام حسن 7 فرمودند:

«... وَجِدْتُكَ بَعْضِي، بَلْ وَجِدْتُكَ كَلِّي...» (همان، نامه ۶/۳۱)

● اختلاف عقیده و ناسازگاری بین نوجوانان و بزرگسالان؛ نوجوانان و بزرگسالان به خاطر اختلافات سنین عمر و مقتضیات زمانی و مکانی با هم تفاوت‌هایی دارند و از آنجا که هر گروه از دیدگاه فکری خود به مسائل نگاه می‌کند و آن را صحیح می‌پندارد، می‌خواهد عقیده و طرز تفکر خود را به دیگری تحمیل کند و این تضاد فکری باعث ناسازگاری و پرخاشگری بین دو گروه جوان و بزرگسال می‌شود. آنچه باید متذکر شد اینکه اصل تضاد، عامل تحرک و ترقی بشر است؛ ولی آنچه مهم است تعدیل این تضادهاست. اگر نظرات متضاد تعدیل شود به توافق خواهند رسید و افکارشان مکمل یکدیگر می‌شود، همان‌طور که امیرالمؤمنین 7 می‌فرمایند:

«مَنْ إِسْتَصْلَحَ الْأَضْدَادَ بَلَغَ الْمُرَادَ.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۹۳)

کینگسلی دیویس به این نکته مهم اشاره کرده که:

«والدین در تلاش برای اجتماعی کردن کودک سعی دارند محتوای کهن فرهنگی را به او بیاموزند و فراموش می‌کنند که از



دوران کودکی آنان تا کنون زندگی عمیقاً دگرگون شده است... والدین در تلاش برای اجتماعی کردن کودک با شیوه‌ها و نهادهای مشخص جامعه، ظاهراً فراموش می‌کنند که آنچه برای خودشان نهادینه شده است برای جوانان بسیار انتقاد برانگیز یا بیزارکننده است.» (ایور موریش، ۱۳۷۳: ۱۸۰)

خداوند برای از بین بردن این آسیب بین پیامبران و اقوامشان و برقراری ارتباطشان با هم می‌فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ...) (ابراهیم/۴) که این زبان تنها زبان تکلم نیست؛ بلکه زبان اندیشه نیز است.

حال که درک و فهم فرزندان بالاتر رفته است، پس برای مقابله با این آسیب تربیتی والدین باید ارزش‌ها و نگرش‌ها و اعتقادات اصیل و مذهبی را با روش‌های جدید و نوین توأم نمایند و لازمه این امر بالابردن سطح علمی و فرهنگی خانواده‌ها است.

● وظایف متقابل والدین و فرزندان برای افزایش سازگاری با یکدیگر؛ علی 7 از بزرگترها که از پختگی بیشتری برخوردارند، خواسته‌اند که شرایط روحی و روانی نوجوانان را در نظر بگیرند و عذر آنان را بپذیرند:

«جَهْلُ الشَّبَابِ مَعْدُورٌ وَعِلْمُهُ مَحْقُورٌ.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۳۹)

و کاستی‌ها و اشتباهات آن‌ها را مورد ملامت و توبیخ قرار ندهند:

«الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَأَمَةِ تَشْبُ نِيرَانَ اللَّجَاجِ.» (همان، ج ۷۴: ۲۳۰)

و برای جلوگیری از لجابت و خصومت، گاهی حالت تغافل داشته باشند:

«إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَأَتْرُكْ لَهُ مَوْضِعاً مِنْ ذَنْبِهِ لِنَلَا يَحْمِلَهُ الْإِخْرَاجُ

عَلَى الْمُكَابَرَةِ.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۳۳)

برای محکم کردن ارتباط با فرزندان، عقاید و نظراتشان را که با موازین شرعی هم‌خوانی دارد، بپذیرند؛ ولی مراقب باشند به خاطر جلب نظر آن‌ها در

پیروی از حق کوتاه نیابند، همان‌طور که خداوند به پیامبرش فرمود: (... فَأَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ...) (مائده/۴۸)

در ضمن نوجوانان نیز باید بدانند، علمی ارزش دارد که تواضع و فروتنی را افزایش دهد نه غرور و تکبر را و از طرفی بدانند که حقایق ناشناخته در برابر علم محدودشان به مراتب بیشتر است و اگر برای پاره‌ای از امور دینی نتوانستند دلیل علمی و منطقی بیابند، نباید آن را به باد تمسخر گیرند و نفی نمایند؛ بلکه به حساب ضعف فهم و بی‌تجربگی خود بگذارند. امیرالمؤمنین 7 فرمودند:

«لَا تُعَادُوا مَا تَجْهَلُونَ فَإِنَّ الْأَكْثَرَ الْعِلْمُ فِيمَا لَا تَعْرِفُونَ.» (تمیمی آمدی،

(۱۴۱۰: ۷۴۸)

و بر استفاده از تجارب دیگران تأکید بسیار نموده‌اند.

● **عدم هماهنگی والدین در تربیت فرزندان؛ پدر و مادر اولین و نزدیک‌ترین الگوهای تربیتی عینی فرزندان خویش هستند. فقدان تفاهم، هم‌فکری و هماهنگی میان آنان در ارائه الگوی یگانه تربیتی می‌تواند فرزند را دچار سردرگمی، تحیر و بلا تکلیفی نماید. در صورت عدم هماهنگی والدین، فرزند یا نسبت به هر دو بی‌اعتماد گشته و واکنش نشان می‌دهد که در این صورت چون پناهگاهی نمی‌یابد به اغیار تمسک می‌جوید و معلوم نیست در پناه چه کسانی قرار می‌گیرد یا به خاطر علاقه‌ای که نسبت به یکی از والدین دارد به سوی او کشیده می‌شود و تحت تربیت او قرار می‌گیرد که اگر آن یک نفر حتی دارای برنامه تربیتی صحیح نیز باشد، نمی‌تواند در تربیت دینی فرزند به نحو شایسته موفق باشد؛ چون به همان میزان که نقش یکی از پدر و مادر کم‌رنگ می‌شود، به همان میزان تربیت فرزند مختل می‌شود. گسترش اختلافات خانوادگی و طلاق در جامعه کنونی ما تربیت نوجوانان را با این آسیب بیشتر مواجه نموده است؛ لذا مرد وقتی می‌تواند به‌عنوان شوهر و پدر ایده‌آل و مربی در خانواده مطرح شود که پشتوانه او زنی صالح باشد و زن آن گاه می‌تواند همسر و مادری**



ایده آل باشد که پشتوانه او مردی صالح باشد و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. نتیجه همکاری و هماهنگی زوجین، فراهم آمدن زمینه‌ای برای تربیت دینی فرزندان می‌شود؛ لذا امیرالمؤمنین 7 فرمودند:

«الزَّوْجَةُ الْمُؤَافَقَةُ إِحْدَى الرَّاحَتَيْنِ.» (همان: ۸۷)

● عدم رهبری در خانواده (نداشتن سرپرست یا بدی سرپرست)؛ به حکم عقل، هر اجتماعی باید دارای سرپرست و مدیری باشد تا با ایجاد نظم و ثبات و هماهنگی بین اجزاء، آن را به سوی هدف مدنظر هدایت کند. خانواده نیز که خود اجتماع کوچکی است برای رسیدن به اهداف خود، نیازمند مدیریت و سرپرستی است.

دین اسلام بنیان خانواده را بر محور مودت، رحمت، تفاهم و مشارکت زوجین بنا نهاده است؛ اما به خاطر ثبات و هماهنگی و پرهیز از تشتت و اختلاف، اقدام به تعیین سرپرست نموده و این مسؤلیت را به جهت ویژگی‌های موجود در مرد بر عهده او گذاشته است: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ...) (نساء/ ۳۴) اسلام مرد را سرپرست خانواده و زن را عهده‌دار مدیریت و اداره خانه قرار داده است و هر دو در آماده‌سازی فضای مناسب برای تربیت فرزندان با هم مشارکت می‌کنند؛ ولی به خاطر اجتماع آراء و دوری از پراکندگی، تصمیم نهایی به وسیله مرد اتخاذ خواهد شد. به جز زن، فرزندان نیز باید پذیرای این سرپرستی باشند. فلسفی با توجه به وزیر بودن فرزند در هفت سال سوم به این مطلب اشاره دارد:

«او نباید فراموش کند که وزیر است، یعنی معضد و معاون پدر و مادر است و خودآزادی و استقلال کامل ندارد. به جوان حق داده شده است که در مسائل خانوادگی اظهارنظر کند و در انجام کارها پدر و مادر را یاری و کمک نماید؛ ولی تصمیم نهایی در انجام امور خانواده مربوط به والدین است.» (فلسفی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۴۴)

ولی متأسفانه در برخی از خانواده‌ها به خاطر اقتدار یکی از والدین

بر تصمیمات اساسی خانواده یا ضعف دیگری، خانواده به صورت پدرسالار یا مادرسالار اداره می‌شود. در چنین خانواده‌هایی چون تفاهم و مشارکتی وجود ندارد، معمولاً تربیت فرزندان موفق نخواهد بود.

● افراط و تفریط والدین در نظارت بر دوستان و رفت و آمد فرزندان؛ داشتن دوست از نیازهای اساسی انسان است و نفوذپذیری نوجوانان از دوستان و هم‌سالان خود بیش از سایر گروه‌ها است. حضرت سلیمان 7 فرمودند:

«در باره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا اینکه نظر کنید به رفقای او و ببینید آن‌ها چگونه آدمی هستند؛ چون انسان از امثال و دوستانش شناخته می‌شود و به هم‌نشینان و دوستانش نسبت داده می‌شود.» (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۸)

با توجه به این حدیث، دوست‌کارت‌شناسایی محسوب می‌شود؛ پس نوجوانان و جوانان باید مراقب باشند که چه کسی را برای شناساندن خود به مردم انتخاب می‌کنند. اثرپذیری از دوستان در این دوران به حدی بالا می‌رود که رسول خدا 9 می‌فرماید:

«الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ.» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴: ۱۲۲)

پس کنترل و نظارت والدین بر دوستان فرزندان، خصوصاً برای دختران که آسیب‌پذیرترند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ ولی آنچه مهم است اینکه در این نظارت‌ها حد اعتدال رعایت شود.

والدینی که تحت تأثیر انحرافات جامعه نسبت به رفت و آمد فرزندان بدبین هستند، در مراقبت‌ها شدت عمل به خرج می‌دهند و با روش‌های غلط آن‌ها را از ارتباط با دوستان باز می‌دارند؛ با عکس‌العمل‌های منفی آن‌ها روبرو می‌شوند یا اگر والدین به خاطر اقتداری که دارند، بتوانند رابطه فرزند خود را به طور کلی با دوستان قطع نمایند، او را از تأثیرات مثبت دوستان خوب که ذکر گردید، باز



داشته و فرزندى منزوى، افسرده و غيراجتماعى بار مى آورند. در مقابل اين افراطها، والدينى هستند كه يا به خاطر خوش بينى و اعتماد بيش از حد نسبت به فرزندان يا به خاطر مشغله كاري زياد، آنها را به حال خود وا مى گذارند و هيچ نظارتى بر دوستان و رفت و آمد آنها ندارند. معمولاً زمانى متوجه سهل انگارى خود مى شوند كه فرزندشان به وسيله دوستان ناباب در دام افتاده و رهايى از آن برايش بسيار دشوار يا غيرممكن شده است.

● عدم تربيت دخترانه؛ از جمله موارد آسيب زار در جامعه كنونى، تربيت يكسان دختران و پسران در محيط خانواده و مدرسه است كه از افكار باطل فمينيستي راجع به حقوق يكسان زن و مرد ناشى مى شود. از آنجا كه ساختار فيزيكى و عاطفى دختران با پسران متفاوت بوده و هر كدام بايد نقش مخصوص به خود را در محيط خانواده ايفا نمايند، پس بايد از تربيت متفاوتى نيز برخوردار باشند؛ اما در خانواده هاى امروزي روش تربيتى دختران و پسران اكثرأ يكسان بوده و برنامه هاى تدوين شده براى مدارس دخترانه و پسرانه نيز تفاوت چندانى ندارد. اين نوع تربيت، دختران را براى كار كردن در محيط هاى مردانه آماده مى سازد نه براى تربيت نسل آينده.

«حضور زن در عرصه هاى مردانه نيز سبب كم رنگ شدن صفات زنانه و برعكس پذيرش صفاتى چون ميل به تسلط گرى است كه مردانه تلقى مى شود. اين تغييرات سبب مى شود كه زن در محيط خانواده، آنجا كه ويژگى هاى زنانه كارايى خود را آشكار مى سازد، فعال عمل نكند و در نتيجه فرزندان آسيب پذير شوند.» (بشيري، ابوالقاسم، «اشتغال زوجين و آثار و پيامدهاى آن بر فرزندان»، تقويت نظام خانواده و آسيب شناسى آن، ج ۲: ۱۰۸)

اميرالمؤمنين 7 نيز براى چيره نشدن اين ميل در زنان مى فرمايند:

«فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَ لَأَ تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّىٰ لَأَ يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ»؛ «پس از زنان بد پرهیزید و مراقب نیکانشان باشید، در خواسته‌های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع ورزند.» (دستی، ۱۳۷۹، خطبه ۳/۸۰)

ایشان درباره لزوم تفاوت تربیت دختران با پسران به اهمیت تفاوت خلق و خوی آن‌ها پرداخته‌اند و فرمودند:

«از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت‌ترین اخلاق مردان است، مانند تکبر، ترس، بخل، هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد.» (همان، حکمت ۲۳۴)

و همین‌طور فرمودند:

«غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ.» (همان، حکمت ۱۲۴)

عوامل تربیتی باید در برنامه‌ریزی‌های خود تفاوت‌ها و نیازهای دختران و پسران را مدنظر قرار داده و آن را به گونه‌ای طرح‌ریزی نمایند که آن‌ها به دختر بودن خود افتخار نموده و خود را آماده تربیت نسل آینده کنند.

از جمله مواردی که باید در تربیت دخترانه رعایت شود، توجه به عواطف دختران، برقراری روابط گرم در خانواده، تعلیم آیین همسرداری، کودک‌یاری و خانه‌داری، حفظ پوشش و عفاف و ... هستند.

● آسیب‌های اقتصادی در خانواده؛ این آسیب در دو بخش «تجمل‌پرستی و رفاه‌طلبی» و «فقر و تنگدستی» در خانواده بررسی خواهد شد:

الف) تجمل‌پرستی و رفاه‌طلبی خانواده‌ها

«تجمل به معنای زیور بستن، آذین کردن، خودآراستن، مال و اثاثه گرانها داشتن، خودآرایی، جاه و جلال، خدم و حشم و ... آمده که

جمع آن تجملات است.» (معین، فرهنگ معین، ج ۱: ۱۰۳۲) که خداوند میل به آن را در طبع و سرشت انسان قرار داده است: (وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ) (عادیات ۸) ولی آنچه دربارهٔ تجمل و دنیا مفهوم منفی و ضدارزشی پیدا کرده است، دنیاپرستی، تجمل‌گرایی، گرایش به رفاه‌طلبی و زندگی پرهزینه است که با گرایش افراطی به آن، انسان را از آراستگی‌های درونی و معنوی غافل می‌کند. قائمی می‌گوید:

«وقتی عواطف دختران که باید متوجه جنبه‌های عالی انسان، اخلاق، پاکی، صداقت، خداپرستی، تقوا و حفظ شرف خود و خانواده گردد در تجمل، زینت‌دوستی و مدپرستی متجلی می‌گردد، ویرانه‌هایی در درون آن‌ها پدید می‌آورد.» (قائمی، ۱۳۷۴: ۲۹۴)

پیامدهای منفی تجمل‌پرستی

۱. اسیر هواهای نفسانی شدن (دنیابپرستی به جای خداپرستی)؛

از تأثیرات مهم و فور نعمت و غرق شدن در تجملات، کشیده شدن به عیاشی و خوش‌گذرانی است که قرآن چنین افرادی را با نام مترفین تقبیح می‌نماید؛ زیرا حُب دنیا و غرق شدن در تجملات، انسان را از خدا غافل و اسیر هواهای نفسانی می‌کند. علی ۷ می‌فرماید:

«كَذَلِكَ مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَ كَبُرَ مَوْعِدُهَا مِنْ قَلْبِهِ، آثَرَهَا عَلَيَّ اللَّهُ فَأَنْقَطَعَ إِلَيْهَا وَ صَارَ عَبْدًا لَهَا» (دستی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۳/۱۶۰)

۲. کشیده شدن به معصیت و طغیان و هلاکت؛

خداوند در قرآن، غرق شدن در مادیات را عامل طغیان انسان بر شمرده است: (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ) (علق ۶-۷) امیرالمؤمنین ۷ نیز می‌فرماید:

«کسی که به نوایی رسید، تجاوزکار شد.» (دستی، ۱۳۷۹، حکمت ۲۱۶)

۳. مخالفت با رهبران دینی؛

غالباً مستضعفان هر قومی، از پیامبران و رهبران دینی حمایت می‌کنند؛ ولی مترفین نه تنها دعوت آن‌ها را نمی‌پذیرند، بلکه به مبارزه با

آن‌ها بر می‌خیزند. در این رابطه خداوند می‌فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ) (سبا/۳۴)

۴. تقویت سنت‌ها و آداب و رسوم غلط گذشتگان؛

قرآن تقلید کورکورانه و دنباله‌روی ناآگاهانه از آباء و اجداد را از دیگر صفات مترفین بر می‌شمارد و آن را مورد سرزنش قرار می‌دهد: (وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ) (زخرف/۲۳) امام صادق ۷ با توجه به آثار ویرانگر این تقلیدها و جوسازی‌ها، به مردی از اصحابشان فرمودند:

«لَا تَكُونُ إِمَّعَةً تَقُولُ أَنَا مَعَ النَّاسِ وَأَنَا كَوَاحِدٍ مِنَ النَّاسِ»

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۸۲)

درست است که باید با مردم باشیم، ولی لزومی ندارد که با آن‌ها هم‌گون باشیم.

۵. هدر دادن عمر؛

خانواده‌های تجمل‌گرا وقت بسیاری را در فروشگاه‌ها و بازارها برای رسیدن به آخرین مدهای ارائه‌شده می‌گذرانند. امیرالمؤمنین ۷ این چنین زندگی را زندگی حیوانی می‌دانند که فرد از اهداف عالی غافل شده و عمر گرانبهایه را صرف شکمبارگی می‌کند:

«آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پرواری که تمام همّت او علف یا چون حیوان رهاشده که شغلش چریدن و پُر کردن شکم بوده و از آینده خود بی‌خبر است. آیا مرا بیهوده آفریدند؟ آیا مرا به بازی گرفته‌اند؟ آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم یا در راه سرگردانی قدم بگذارم؟» (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۱۴/۴۵)

۶. زندگی انگلی؛

معمولاً فرزندان چنین خانواده‌هایی به خاطر نداشتن نیاز مالی به دنبال کار و فعالیت نمی‌روند و بی‌حال و تن‌پرور بار می‌آیند. چنین افرادی نه تنها برای جامعه سودی ندارند؛ بلکه انگل جامعه می‌شوند و نمی‌توانند در برابر مشکلات



زندگی استقامت کنند. امیرالمؤمنین 7 مردم را دو دسته می‌کند و این گونه تشبیه می‌کند:

«آگاه باشید درختان بیابانی، چوبشان سخت تر و درختان کناره جویبار پوستشان نازک تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند، آتش چوبشان شعله‌ورتر و پُر دوام تر است.» (همان، نامه ۱۷/۴۵)

۷. اسراف، تبذیر و کفران نعمت؛

تبذیر عبارت است از تضييع مال خدا و حقوق مردم و استفاده از مال بدون نظم و برنامه و به دور از عدل و تدبیر. (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱: ۲۵۸) معمولاً افراد تجمل‌گرا به خاطر غرق بودن در تجملات، محرومین را فراموش نموده و به اسراف و تبذیر می‌پردازند که خداوند آن‌ها را برادران شیطان معرفی می‌کند: (إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ) (اسراء/۲۷) خانواده‌های تجمل‌گرا معمولاً به جای سپاس از نعمت‌های الهی به کفران و ناسپاسی می‌پردازند. علی 7 در این مورد هشدار می‌دهند:

«چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی، نعمت‌ها را از خود دور نسازید.» (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۱۳)

اسلام حد اعتدال و دوری از اسراف و خساست را به کفاف، تعبیر نموده و از این تعبیر می‌توان مرز تجمل را مشخص نمود.

۸. مقروض شدن؛

گاهی افراد تجمل‌گرا برای زیاد کردن زرق و برق زندگی خود به سراغ وام‌هایی می‌روند که توان باز پس دادن آن را ندارند و گاهی در بند مراجع قضایی قرار می‌گیرند، آرامش را از خانواده سلب می‌نمایند و فرزندان‌شان را قربانی بلندپروازی‌ها و جاه‌طلبی‌های خود می‌کنند. به همین خاطر، امیرالمؤمنین 7 حرص و طمع را مایه خواری برشمردند:

«الْحِرْصُ ذُلٌّ وَمَهَانَةٌ لِمَنْ يَسْتَشْعِرُهُ.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۹۵)

و خود نیز برای ممانعت از این امر از خرید گوشت نسیه خودداری کردند (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۱۹) و راه رسیدن به آرامش را اقتصار می‌شمارند:

«مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ»

(همان، حکمت ۳۷۱)

۹. لقمه حرام؛

افرادی که زندگی تجملاتی را بر می‌گزینند، معمولاً به خاطر رسیدن به زندگی ایده‌آلشان و به دلیل زیاده‌خواهی، به کسب درآمدهای غیرمشروع، مثل رباخواری، رشوه‌خواری، دزدی و ... می‌پردازند و زندگی خود را به حرام آلوده می‌سازند. حضرت رسول ﷺ ابن مسعود را از این امر نهی می‌کنند:

«يَا ابْنَ مَسْعُودٍ لَا تَحْمِلَنَّكَ الشَّفَقَةُ عَلَى أَهْلِكَ وَ وُلْدِكَ عَلَى

الدُّخُولِ فِي الْمَعَاصِي وَ الْحَرَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۰۸)

که به گفته امام صادق ۷ تأثیر آن را به‌طور ناخواسته در نسلشان

مشاهده خواهند کرد:

«كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الدَّرَجَةِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۱۲۵)

امام حسین ۷ نیز علت بی‌اثر بودن سخنانشان در دل سپاه دشمن

را لقمه‌های حرام ذکر نمودند:

«فَقَدْ مُلِئَتْ بَطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۴۰)

والدین در این زمینه مسئولند که چه لقمه‌ای را به خورد فرزندان معصوم خود

می‌دهند و در این میان زن می‌تواند با قناعت، رضایت به کم و حسن تدبیر معاش

و میانه‌روی محیط خانه را برای تربیت دینی فرزندان فراهم سازد. وقتی از

امیرالمؤمنین ۷ درباره تفسیر آیه «فَلَنَحْيِيَنَّهَا حَيَاةً طَيِّبَةً» سؤال شد، ایشان در

پاسخ فرمودند: «هِيَ الْقَنَاعَةُ» (دستی، ۱۳۷۹، حکمت ۲۲۹)

۱۰. شکاف طبقاتی؛

معمولاً طبقه ثروتمند با در دست گرفتن شغل‌های پُر درآمد، توانایی

کسب درآمد را از دست طبقات پایین‌تر جامعه می‌گیرند. هر روز از



درآمد آن‌ها کاسته و بر درآمد خود می‌افزایند و به خاطر غرق‌بودن در تجملات، محرومین جامعه را به کلی فراموش می‌نمایند؛ لذا امیرمؤمنان 7 مال فقراء را در اموال ثروتمندان می‌بینند و ثروتمندان را عامل فقر و شکاف طبقاتی می‌شمارند:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ.» (همان، حکمت ۳۲۸)

۱۱. سرمنشأ رذایل اخلاقی؛

آنچه در کل می‌توان ذکر کرد این است که تجمل‌گرایی می‌تواند سرمنشأ بسیاری از رذایل اخلاقی باشد. به همین خاطر علی 7 می‌فرماید:

«الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ»؛ (ثروت، ریشه شهوت‌ها است.) (همان، حکمت ۵۸)

از مفاسد اخلاقی مهم تجمل‌پرستان، خودپسندی است که ایشان هشدار می‌دهند:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ ... إِنْ اسْتَغْنَى بَطِرَ وَفُتِنَ وَإِنْ افْتَقَرَ قَنَطَ وَوَهِنَ.» (همان، حکمت ۱۵۰)

و به گفته قرآن حس بشر دوستی در آن‌ها افول می‌نماید: (كُلَّا بَلَّ لَأَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَخَاضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا) (فجر/۱۷-۲۰) و در زمین به ظلم و طغیان می‌پردازند: (وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ ...) (شوری/۲۷)

رسول اکرم 9 برای جلوگیری از این آسیب فرمودند:

«به آنکه از شما پایین‌تر است، بنگرید و به آنکه از شما بالاتر است، منگرید؛ زیرا بدین وسیله قدر نعمت خدا را بهتر می‌دانید.» (پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳: ۲۶۶)

۱۲. وابستگی به بیگانگان؛

تمام تلاش استعمار، در ایجاد وابستگی ملت‌ها به خود است. در این راستا، آن‌ها با از بین بردن فرهنگ‌ها و ارزش‌های اعتقادی و ترویج فرهنگ خود، وابستگی فرهنگی را ایجاد می‌نمایند و برای پیاده‌نمودن

فرهنگ خود، دست به تبلیغاتی می‌زنند که وابستگی اقتصادی را به دنبال می‌آورد و وابستگی اقتصادی است که سبب وابستگی سیاسی می‌شود و کشور را تحت استعمار آن‌ها قرار می‌دهد. آن‌ها می‌دانند با ترویج مدپرستی و تجمل‌گرایی می‌توانند نیروی جوان و سرمایه‌های عظیم کشور را از تلاش و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون علمی، تحقیقاتی، صنعتی و ... بازداشته و آن‌ها را از این طریق به خود وابسته سازند. امام رضا 7 برای ممانعت از این آسیب‌ها، به اعتدال و میانه‌روی توصیه نموده‌اند:

«وَلْيَكُنْ نَفَقَتُكَ عَلَى نَفْسِكَ وَعِيَالِكَ قَصْدًا». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۵۳)

ب) فقر و تنگدستی در خانواده

همان‌طور که تجمل‌گرایی آسیبی برای تربیت دینی محسوب می‌شود، فقر و تنگدستی و عدم توانایی در تأمین هزینه‌های زندگی که از نتایج بیکاری است، نیز می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم بر تربیت و رفتار نوجوانان تأثیرگذار باشد. از جمله پیامدهای منفی فقر و تنگدستی عبارتند از:

۱. ابتلاء به بیماری‌های جسمی و روحی؛ «انسانی و مطالبات فرنگی»
 «فقراء بیش از اغنیاء، تقریباً به همه بیماری‌ها و ناتوانی‌ها اعم از جسمی و روانی مبتلا می‌شوند. این هم به لحاظ دفعات ابتلاء و هم شدت و مدت آن است.»^۱ «وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین (از نظر درآمد، تحصیلات و شغل) ارتباط نیرومندی با بیماران روانی دارد.

۱- سیدمهدی موسوی اصل، فقر و بهداشت روانی از دیدگاه دین و روانشناسی، سامانه نشریات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، به نقل از:

http://ravanshenasi.nashriyat.ir/node/48 Gomm, Roger", mental health and inequality"; Mental Health Matters: a Reader; by Tom Heller et al, MacMillan, P 110.



چندین دهه است که مشخص شده است افراد طبقه اجتماعی - اقتصادی پایین تر، حدود دو و نیم برابر بیشتر از طبقات بالاتر، احتمال ابتلاء به اختلال روانی دارند. دلایل این ارتباط کاملاً روشن نیست؛ اما ممکن است وجود استرس بیشتر در زندگی فقراء و آسیب پذیری بیشتر آنان در برابر انواع عوامل استرس زا در مجموع، منجر به برخی اختلالات روانی نظیر افسردگی شود.^۱ و با توجه به اینکه دید افراد جامعه معمولاً نسبت به فقراء متفاوت از ثروتمندان است، گاهی نسبت به آنها نگرشی منفی و تحقیر آمیز می شود. علی 7 این رخداد اجتماعی را این گونه بیان می دارند:

«إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى قَوْمٍ أَعَارَتْهُمْ مَحَاسِنَ غَيْرِهِمْ وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُمْ سَلَبَتْهُمْ مَحَاسِنَ أَنْفُسِهِمْ.» (دستی، ۱۳۷۹، حکمت ۸)

گاهی فقر برای نوجوان که دوست دارد خود را با ظاهری آراسته در میان هم سالان نشان دهد، عاملی است که او را به انزوا می کشاند. ایشان می فرمایند:

«الْمَقِيلُ غَرِيبٌ فِي بَلَدَيْتِهِ.» (همان، حکمت ۳)

۲. افزایش ناهنجاری های اجتماعی؛

با افزایش تورم و شرایط بد اقتصادی، نزاع و اختلاف در خانواده ها و در روابط مردم جامعه افزایش یافته و آستانه تحمل مردم کاهش می یابد. وقتی فقر، بیکاری و شکاف طبقاتی در جامعه افزایش یابد، شاهد انفجار رفتاری به لحاظ طلاق و رفتار بد والدین با کودک در درون خانواده خواهیم بود. «یکی از پیشتازان جرم شناسی در طی یک بررسی نشان داده است که در ایتالیا خانواده های فقیر ۶۰ درصد جمعیت را تشکیل می دادند؛ اما جرایم مربوط به آنها ۸۵ تا ۹۰ درصد کل جرایم بوده است. هم چنین برخی تحقیقات دیگر حاکی از آن است که ۱۹ درصد

۱- همان، به نقل از: U.S. Department of Health and Human Services, P 82

جرایم مربوط به فقرای لندن بوده است، در صورتی که آنان ۸ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند؛ البته این بدان معنا نیست که همه فقراء بزه کار هستند؛ بلکه باید گفت که اگر بیشتر منحرفان و مجرمان فقیر باشند، بیشتر فقراء مجرم و بزه کار نیستند.^۱

۳. فقر فرهنگی؛

غالباً فقر مادی و فقر فرهنگی تأثیر متقابلی نسبت به هم دارند. معمولاً در خانواده‌های فقیر، زمینه و امکانات لازم برای رشد فرهنگی و شکوفایی استعدادها فراهم نیست و به همین دلیل اعضای این خانواده‌ها نسبت به دیگر افراد جامعه از تحصیلات پایین‌تری برخوردارند. از طرفی، فقر فرهنگی و فقدان تعلیم و تربیت و تحصیلات مناسب، فقر مادی را تشدید می‌کند و این تسلسل هم‌چنان ادامه می‌یابد.

۴. کاهش آمار ازدواج و افزایش طلاق در جامعه؛

در جامعه کنونی ما بسیاری از دختران تنها رفاه مالی را عامل خوشبختی می‌شمارند؛ لذا به دنبال همسرانی هستند که بتوانند رفاه بیشتری را برای آن‌ها فراهم نمایند. این امر یکی از عواملی است که باعث بالارفتن سن ازدواج و پایین آمدن آمار ازدواج در جامعه شده است. از طرف دیگر، در جامعه شاهد هستیم که بسیاری از ازدواج‌ها به خاطر شرایط بد اقتصادی به طلاق منجر می‌شود. فریبا زمانی در بررسی خود بیست و پنج درصد متارکه‌ها را مشکلات مالی ذکر می‌کند و آن را دومین عامل طلاق می‌شمارد. (زمانی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۸۱)

۵. ضعف اعتقادات و دین‌داری در جامعه؛

تهی دستی نیز هم‌چون تجمل‌گرایی می‌تواند زمینه‌ای را برای کفر و بی‌دینی و بروز برخی از صفات زشت اخلاقی فراهم آورد، به همین خاطر

۱- سیدمهدی موسوی اصل، فقر و بهداشت روانی از دیدگاه دین و روانشناسی، سامانه نشریات مؤسسه آموزشی

امیرالمؤمنین 7 فرزندشان محمد حنفیه را نسبت به آن هشدار دادند:

«يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» (فيض الإسلام، ۱۳۷۹، حکمت ۳۱۱)

و از پیامبر 9 نقل شده که فرمودند:

«كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا وَكَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدَرَ» (کلینی،

۱۴۲۹، ج ۲: ۳۰۷)

اولین تأثیر منفی فقر می تواند حسادت باشد که طبق این حدیث، فرد را به ناخشنودی به قضا و قدر الهی و سوءظن به خداوند تعالی می کشاند و این امر انسان را به مرز کفر و بی اعتقادی نزدیک می سازد. در بین افراد جامعه این تأثیر در نوجوانان که از تجربیات کمتری برخوردارند، بیشتر به چشم می خورد.

6. ناتوان شدن مرد در امر و نهی فرزندان؛

آیه ۳۴ نساء تعهدات مادی را از جمله دلایل سرپرستی مرد در خانواده می شمارد. حال وقتی مرد نتواند به تعهداتش عمل کند، نفوذ کلامش در خانواده کاهش یافته و این امر، تربیت فرزندان را با آسیب روبرو می سازد. امیرالمؤمنین 7 این مطلب را این گونه بیان می دارند:

«...الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ...» (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۳)

روش تحقیق

با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی آسیب‌ها به منظور ارائه راهکارهای به‌سازی برنامه‌های تربیت دینی دختران دبیرستانی ناحیه ۴ اصفهان در پرتو آموزه‌های دینی است، روش انجام تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی است و جامعه آماری آن شامل کلیه دبیران دینی و عربی ناحیه ۴ اصفهان است. پس از تعیین ضریب اطمینان و واریانس جامعه، حجم نمونه با استفاده از فرمول:

$$N\delta 2N-1D+\delta 2=130 \times 60.90129 \times 0.25+60.90=85$$

محاسبه شده است و بر این اساس، ۸۵ نفر از دبیران دینی و عربی و

پرورشی مشاوره برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی ساده بوده است. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای است که با ۱۳ سؤال بسته پاسخ درباره آسیب برنامه‌های تربیت دینی دختران طراحی شده است. ضریب پایایی پرسش‌نامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شده و روایی صوری و محتوایی آن توسط استاد راهنما و مشاور و چند تن از اساتید مجرب تأیید شده است. تجزیه و تحلیل حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری *SPSS-18* در سطح آمار استنباطی^۱ انجام شد و در آمار استنباطی آزمون‌های *t* تک‌متغیره و تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های استنباطی تحقیق بر اساس سؤالات تحقیق تنظیم و به آن پرداخته شده است.

سؤال اول: آسیب‌های ناشی از عوامل خانوادگی تا چه میزان است؟

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

جدول (۱): مقایسه میانگین نمره آسیب ناشی از عوامل خانوادگی با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	معیار انحراف	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل خانوادگی	۴/۰۹	۰/۶۸	۰/۰۷۵	۱۴/۳۹۹	۸۰	۰/۰۰۱

بر اساس یافته‌های جدول (۱) با احتمال بیش از ۹۹٪ فرض صفر رد می‌شود؛ زیرا *t* محاسبه شده از *t* جدول بزرگ‌تر بوده، بنابراین آسیب

1-inferential statistical.



ناشی از عوامل خانوادگی، بالاتر از سطح متوسط است.

سؤال دوم: آسیب‌های ناشی از فقر اعتقادی- فرهنگی (از عوامل خانوادگی) تا چه میزان است؟

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

جدول (۲): مقایسه میانگین نمره آسیب‌های ناشی از فقر اعتقادی- فرهنگی (از عوامل خانوادگی) با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
فقر اعتقادی- فرهنگی	۴/۱۹	۰/۶۰	۰/۰۶۶	۱۷/۸۰	۸۰	۰/۰۰۱

بر اساس یافته‌های جدول (۲) با احتمال بیش از ۹۹٪ فرض صفر رد می‌شود؛ زیرا t محاسبه شده از t جدول بزرگ‌تر بوده، بنابراین آسیب‌های ناشی از فقر اعتقادی- فرهنگی (از عوامل خانوادگی)، بالاتر از سطح متوسط است.

سؤال سوم: آسیب‌های ناشی از فقر عاطفی (از عوامل خانوادگی) تا چه میزان است؟

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

جدول (۳): مقایسه میانگین نمره آسیب‌های ناشی از فقر عاطفی (از عوامل خانوادگی) با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
فقر عاطفی	۴/۰۹	۰/۶۶	۰/۰۷۳	۱۴/۸۹۰	۸۰	۰/۰۰۱

بر اساس یافته‌های جدول (۳) با احتمال بیش از ۹۹٪ فرض صفر رد می‌شود؛ زیرا t محاسبه شده از t جدول بزرگ‌تر بوده، بنابراین آسیب‌های ناشی از فقر عاطفی (از عوامل خانوادگی) بالاتر از سطح متوسط است.

سؤال چهارم: آسیب‌های ناشی از وضعیت اقتصادی (از عوامل خانوادگی) تا چه میزان است؟

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

جدول (۴): مقایسه میانگین نمره آسیب‌های ناشی از وضعیت اقتصادی (از عوامل خانوادگی) با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
وضعیت اقتصادی	۳/۹۸	۱/۱۳	۰/۱۲۶	۷/۸۳۴	۸۰	۰/۰۰۱

بر اساس یافته‌های جدول (۴) با احتمال بیش از ۹۹٪ فرض صفر رد می‌شود؛ زیرا t محاسبه شده از t جدول بزرگ‌تر بوده، بنابراین آسیب‌های ناشی از وضعیت اقتصادی (از عوامل خانوادگی) بالاتر از سطح متوسط است.

سؤال پنجم: مهم‌ترین عامل آسیب‌زا از عوامل یادشده در تربیت دینی دختران کدام است؟

بر همین اساس آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عامل‌ها استفاده شد که نتایج این رتبه‌بندی در جداول زیر آمده است.

جدول (۵): میانگین رتبه‌بندی عامل‌های خانوادگی

عامل	میانگین رتبه‌بندی
فقر اعتقادی- فرهنگی	۲/۱۵
وضعیت اقتصادی	۱/۹۴
فقر عاطفی	۱/۹۰



نتایج جدول (۵) (میانگین رتبه‌بندی عامل‌ها) نشان می‌دهد فقر اعتقادی- فرهنگی بالاترین رتبه و فقر عاطفی پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است.

جدول (۶): آزمون فریدمن عوامل خانوادگی

تعداد	۸۱
مقدار خی دو	۳/۳۴۰
درجه آزادی	۲
سطح معناداری	۰/۱۸۸

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهند که نتایج حاصل بین مجموع رتبه‌های ۳ عامل فقر اعتقادی- فرهنگی، فقر عاطفی و وضعیت اقتصادی از عوامل خانوادگی در سطح $p < ۰/۰۱$ معنادار نیست (مقدار خی دو ۳/۳۴۰)؛ لذا فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه تفاوت معناداری بین مجموعه نمرات در ۳ عامل آسیب‌گذار از عوامل خانوادگی وجود دارد، تأیید نمی‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتیجه‌گیری از یافته‌های تحقیق

سؤال اول: آسیب‌های ناشی از عوامل خانوادگی تا چه میزان است؟

از یافته‌های جدول (۱) به دست آمد که آسیب ناشی از عوامل خانوادگی بالاتر از سطح متوسط است. نتایج حاصل از این سؤال با نتایج تحقیقات سوسن صائبی (۱۳۸۸) و آقایی میبدی (۱۳۸۶)، براتی (۱۳۷۵)، زندوانیان (۱۳۹۱) در یک راستا است. با این تفاوت که در سه مورد آخر به نقش خانواده در تربیت مذهبی فرزندان پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که نظام حاکم بر خانواده در نحوه تربیت دینی فرزندان تأثیر به‌سزایی دارد و خانواده ناسالم آسیب‌های جدی را بر

تربیت فرزندان وارد می‌سازد. به همین خاطر، اسلام برای تشکیل خانواده سالم تمهیدات بسیاری را اندیشیده و پیامبر اکرم ﷺ والدین را مسئول تربیت فرزندان می‌شمارند:

«أدبوا أولادکم فإنکم مسئولون.» (به نقل از قائمی، ۱۳۷۴: ۲۷۳)^۱

سؤال دوم: آسیب‌های ناشی از فقر اعتقادی- فرهنگی (از عوامل خانوادگی) تا چه میزان است؟

یافته‌های جدول ۳ حاکی از آن است که آسیب‌های ناشی از فقر اعتقادی- فرهنگی (از عوامل خانوادگی) بالاتر از سطح متوسط است. نتایج حاصل از این سؤال با نتایج تحقیقات آقای میبدی (۱۳۸۶)، برای (۱۳۷۵)، زندوانیان (۱۳۹۱) و آقامحمدی (۱۳۸۹) در یک راستا است. به نظر می‌آید که این عامل می‌تواند نسبت به دیگر عوامل خانواده آسیب جدی‌تری را بر تربیت دینی نوجوانان وارد سازد. خانواده‌هایی که به مسائل دینی پایبند نیستند با مطرح کردن شبهات و تمسخر دین‌داری، آداب اسلامی را زیر سؤال برده و ارزش‌های دینی را ضدارزش و ضدارزش‌ها را ارزش تلقی می‌کنند. مسلماً چنین خانواده‌هایی برنامه تربیت فرزندان را نیز بر اساس ارزش‌های خود تدوین می‌کنند و نسبت به تربیت دینی آن‌ها بی‌تفاوت هستند. آن زمان است که می‌بینیم فرزندان هم‌چون خودشان فرسنگ‌ها از تربیت دینی فاصله دارند. از طرفی، خانواده‌هایی هم که نسبت به اعتقادات خود متعصب هستند یا از روش‌های نادرست در تربیت استفاده می‌کنند، نه تنها موفق نیستند؛ بلکه به خاطر موانعی که در راه تربیت به وجود

۱- صائبی، سوسن، «بررسی وضعیت خانوادگی و روانشناختی زنان زندانی در شهر تهران»، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، ج ۱، ص ۲۰۷.



می‌آورند به نتیجه عکس خواهند رسید. از آنجا که اسلام دینی است
 میانه‌رو و به دور از افراط‌ها و تفریط‌ها است؛ پس باید مرزها و حدود
 الهی را شناخت و بر اساس آن برنامه‌ریزی نمود، همان‌طور که
 امیرالمؤمنین 7 می‌فرمایند:

«الطریق الوسطی هی الجادَّة.» (دستی، ۱۳۷۹، خطبه ۷/۱۶)

سؤال سوم: آسیب‌های ناشی از فقر عاطفی (از عوامل خانوادگی) تا
 چه میزان است؟

نتایج مندرج در جدول (۳) نشان داد که آسیب‌های ناشی از فقر
 عاطفی (از عوامل خانوادگی) بالاتر از سطح متوسط است. نتیجه این
 سؤال با تحقیق یارمحمدیان (۱۳۸۸) و تحقیق احمدی، فتحی آشتیانی،
 عرب‌نیا (۱۳۸۸)، وفایی و روشن (۱۳۸۸) در یک راستا است. با توجه به
 اینکه امر تربیت، امری اعتقادی است و تنها راهش کسب دل‌ها است،
 والدین با تقویت روابط عاطفی میان اعضای خانواده می‌توانند قلوب
 فرزندان را به دست گیرند و تربیت خود را بر آن‌ها اعمال نمایند.

سؤال چهارم: آسیب‌های ناشی از وضعیت اقتصادی (از عوامل
 خانوادگی) تا چه میزان است؟

یافته‌های جدول (۴) نشان داد که آسیب‌های ناشی از وضعیت اقتصادی (از
 عوامل خانوادگی) بالاتر از سطح متوسط است. در این پژوهش آسیب‌های ناشی
 از وضعیت اقتصادی در دو زمینه تجمل‌گرایی و فقر مورد بررسی قرار گرفت و
 نتایج حاصل با تحقیق وفایی و روشن (۱۳۸۸)، موسوی اصل در زمینه فقر در
 یک راستا است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که بین آسیب‌های تربیتی و
 فقر ارتباط مستقیم وجود دارد و با تحقیق آقامحمدی (۱۳۸۹) هم‌خوانی ندارد و
 ایشان فرض تحقیق خود را مبنی بر رابطه معنادار بین «میزان تأثیر والدین در
 هدایت فرزندان به نماز جماعت» و «وضعیت اقتصادی خانواده‌ها» را رد
 می‌نمایند.

در این پژوهش با استناد به آیات و روایات مشخص شد که معمولاً افرادی که از وضعیت اقتصادی بالاتر یا پایین‌تری از حد متوسط جامعه برخوردار هستند، بیشتر در معرض آسیب‌های تربیتی قرار می‌گیرند و بهترین حالت، اعتدال و میانه‌روی همراه با قناعت و رضایت از زندگی است که اسلام بر آن تأکید بسیار نموده است.

سؤال پنجم: مهم‌ترین عامل آسیب‌زا از عوامل ذکر شده در تربیت دینی دختران کدام است؟

میانگین رتبه‌بندی عامل‌ها در جدول (۵) نشان داد که فقر اعتقادی-فرهنگی بالاترین رتبه و فقر عاطفی پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد و بر اساس آزمون فریدمن در جدول (۶) نشان داد تفاوت معناداری بین مجموعه نمرات در سه عامل آسیب‌زا از عوامل خانوادگی وجود ندارد؛ پس هر یک از این عوامل می‌توانند به شکل‌های متفاوتی بر روی تربیت دینی آسیب‌گذار باشند.

نتیجه‌گیری

خداوند از ابتدای خلقت، بستر تربیت و تکامل انسان را فراهم کرده است تا اینکه در زمان پیامبر اسلام آن را تکمیل نمود: (وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (انعام/۱۱۵) طبق این آیه، برنامه‌های تربیتی اسلام، آسیب‌پذیر نخواهد بود و هر آنچه به‌عنوان آسیب در برنامه‌های عوامل تربیتی مطرح است از دور شدن برنامه‌هایشان از آموزه‌های دینی نشأت می‌گیرد. حال با توجه به اینکه خانواده از اولین و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت فرزندان است، در این پژوهش برنامه‌های تربیت دینی در خانواده از سه جهت اعتقادی - رفتاری، فقر عاطفی و وضعیت اقتصادی مورد آسیب‌شناسی قرار گرفت و نتیجه بر این شد که اگر هر یک از این عوامل از حد و مرزی که اسلام مشخص نموده، خارج شود می‌تواند بر تربیت دینی فرزندان آسیب‌زا باشد و با



توجه به اینکه اسلام دینی کامل، پویا و جاودانه بوده و برنامه‌هایش برای هر عصر و زمانی تازه است.^۱ آموزه‌های آن می‌تواند بهترین وسیله و راهکار برای پیشگیری و درمان آسیب‌ها در عصر حاضر باشد. نتایج این تحقیق می‌تواند برای شناخت آسیب‌های برنامه‌های تربیت دینی نوجوانان خصوصاً دختران دبیرستانی در خانواده و درمان آن به کار گرفته شود.

پیشنهادهای کاربردی

همان‌طور که نتایج تحقیق نشان داد، به نظر پاسخ‌گویان، بیشترین نمره پاسخ در آسیب‌های خانواده از فقر اعتقادی و فرهنگی ناشی می‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش و دیگر نهادهای فرهنگی با پُربار نمودن و استمرار کلاس‌های آموزش خانواده، مشاوره و ... سطح اعتقادی و فرهنگی خانواده‌ها را افزایش داده و آن‌ها را در جریان آسیب‌های ناشی از افراط‌ها و تفریط‌ها و روش‌های نادرست تربیت قرار دهند. با برپایی این کلاس‌ها می‌توان:

الف) با تقویت دین‌باوری در خانواده‌ها، این باور را در آن‌ها ایجاد نمود که تنها تربیت دینی، صراط صحیح تربیت است.

ب) والدین را از اثرات مخرب ابزارهای مدرن ارتباط جمعی هم‌چون اینترنت، ماهواره، موبایل آگاه ساخته و با افزایش سواد رسانه‌ای، آن‌ها را از حالت انفعالی در برابر این ابزارها خارج نموده و نگاه منتقدانه را در آن‌ها افزایش داد.

۱- امام رضا 7 به نقل از پدرشان، علت تازگی قرآن را این‌گونه بیان می‌کنند: «لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُنَزِّلْهُ لِرِزْمَانِ دُونَ رِزْمَانٍ وَلَا لِأَنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ رِزْمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، ابن بابویه، محمد بن علی، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۷.

ج) سطح علمی و فرهنگی والدین را به فرزندان نزدیک نمود و بر روابط عاطفیشان افزود.

د) از مشکلات دانش‌آموزان آگاهی یافت و با هم‌فکری و هماهنگی روش‌های تربیتی صحیح را به کار برد.

با توجه به نظر مثبت پاسخ‌گویان در مورد تأثیر خلأهای عاطفی در آسیب‌رساندن به تربیت دینی فرزندان پیشنهاد می‌شود که والدین با افزایش روابط صمیمی بین خود و فرزندان این خلأها را پُر نموده تا افراد ناباب جامعه از این امر برای جذب نوجوانان و منحرف‌نمودن آن‌ها استفاده نکنند.

با توجه به نظر مثبت پاسخ‌گویان به تأثیر رفاه‌زدگی و فقر و بیکاری در آسیب‌رساندن به تربیت دینی نوجوانان پیشنهاد می‌شود که دولت با اشتغال‌زایی و رفع مشکلات اقتصادی کشور و کمک‌های بیشتر به طبقات آسیب‌پذیر، به از بین‌بردن ریشه‌های فقر و بیکاری در جامعه کمک نماید و با برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد از گردش پول در دستان افراد خاص جلوگیری نموده و از اختلاف طبقاتی جامعه بکاهد. در ضمن با توجه به اینکه تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی به‌شمار می‌رود؛ لذا باید ساده‌زیستی، رضایت از زندگی و قناعت‌پیشگی و ... در جامعه فرهنگ‌سازی شود.

از آنجا که منابع دینی ما سرشار از مباحث تربیتی است، لذا برای آشنایی بیشتر مردم به این مباحث و نهادینه کردن آن در اذهان، پیشنهاد می‌گردد شهرداری در تبلیغات فرهنگی خود در پست اتومبیل‌ها، سفر کارت‌ها، تابلوهای اعلانات و ... از آیات و روایات در این زمینه استفاده نماید.

منابع

کتابها

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۶. احمدی، خدابخش و همکاران، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن؛ بررسی رابطه تقییدات مذهبی و سازگاری زناشویی، قم: مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۷. اسدی گرمارودی، محمد، درس هایی از تربیت انسانی (تعلیم و تربیت، اخلاق و خودسازی)، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹.
۸. افشین نیا، منوچهر، مقدمه ای بر آمار، تهران: انتشارات اتا، ۱۳۷۸.
۹. اکبری، محمود، دختران پندها و هشدارها (نکته های تربیتی ویژه دختران جوان)، قم: گلستان ادب، ۱۳۸۱.
۱۰. ایور موریش، در آمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۱۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶.
۱۲. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۱۳. بهشتی، محمد، مهدی ابوجعفری، علی نقی فقیهی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.

۱۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت،: ۱۳۶۳.
۱۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالكلم، قم: دار الكتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۶. جامی، هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، انتشارات سعدی، ۱۳۶۶.
۱۷. دشتی، محمد، ترجمه نهج‌البلاغه، قم: نشر لقمان، ۱۳۷۹.
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۹. زمانی، فربیا، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن؛ مشکلات اقتصادی و آسیب‌شناسی خانواده، قم: مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی ؛ ۱۳۸۸.
۲۰. ساجدی، ابوالفضل، دین‌گزینی چرا؟ دین‌گرایی چرا؟، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی ؛ ۱۳۸۶.
۲۱. سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۲. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران: انتشارات تربیت، ۱۳۸۶.
۲۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت ؛ ۱۴۰۹ق.
۲۴. فلسفی، محمدتقی، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲.
۲۵. فیض‌الإسلام، علی‌تقی، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۹.
۲۶. قائمی، علی، اسلام و تربیت دختران، انتشارات امیری، ۱۳۷۴.
۲۷. کراجکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.



۲۸. کریمی، عبدالعظیم، از نا کجا به هر کجا (تعلیم و تربیت به کجا می رود)، تهران: عابد، ۱۳۸۵.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.

۳۰. مایر، فردریک، تاریخ اندیشه های تربیتی، ترجمه: علی اصغر فیاض، تهران: سمت، ۱۳۷۴.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۳۲. معین، محمد، فرهنگ معین، امیر کبیر.

۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط

المسائل، قم: مؤسسه آل البيت ،: ۱۴۰۸ق.

۳۴. وفایی، مریم، مریم روشن، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی

آن؛ آسیب شناسی مشکلات رفتاری و عاطفی نوجوانان دختر در

خانواده های محروم، قم: مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام

خمینی ؛، ۱۳۸۸.

۳۵. هومن، حیدر علی، شناخت روش علمی در علوم رفتاری،

تهران: انتشارات پارسا، ۱۳۷۴.

۳۶. یارمحمدیان، احمد، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن؛

رابطه هوش عاطفی و رضایت زناشویی، قم: مرکز انتشارات آموزشی و

پژوهشی امام خمینی ؛، ۱۳۸۸.

مجلات، روزنامه ها، ...

۳۷. آقامحمدی، جواد و علی قاسمی و عزیز اسدی، «بررسی نقش

والدین در هدایت فرزندان به نماز جماعت و مسجد، مطالعه موردی

شهرستان دیوان دره و سرو آباد»، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۳۹ و

۴۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹.

۳۸. آقای میبدی، فهیمه، «بررسی عوامل مؤثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش‌آموزان سال سوم دوره متوسطه شهرستان اردکان»، یزد: سازمان مدیریت و پژوهش استان یزد، ۱۳۸۶.

۳۹. زندوانیان نایینی، احمد و محبوبه دهقانی اشکذری و راضیه طیبی، «عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهرستان صدوق (یزد) به انجام فرایض دینی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲.

۴۰. سیدمهدی موسوی اصل، «فقر و بهداشت روانی از دیدگاه دین و روانشناسی»، سامانه نشریات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .;

<http://ravanshenasi.nashriyat.ir/node/48>

۴۱. معین‌الاسلام، مریم، «نقش تربیتی بانوان در مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی»، پیام زن، شماره ۱۴۷، خرداد ۱۳۸۳.

۴۲. نرم‌افزار فیض تمام (۲)، مرکز رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.

۴۳. نرم‌افزار منهج‌النور (جامع الأحادیث ۳/۵)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۴۴. نرم‌افزار منهج‌النور (دانش‌نامه علوی)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

پایان‌نامه‌ها

۴۵. امراللهی، فاطمه، «نقش والدین در تربیت مذهبی فرزندان»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۷۹.

۴۶. براتی، حمید، «عوامل مؤثر بر تربیت دینی فرزندان»، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

۴۷. سعیدی، محسن، «بررسی نقش مدرسه در تربیت مذهبی دانش‌آموزان دوره راهنمایی»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۰.